

پلیس فاش کرد

دزدی‌های یک دختر برای خودنمایی در پارتی‌ها



گروه حوادث: دختر جوان برای فرار از بدهکاری دوستانش در یک میهمانی شبانه با پسر افکاری آشنا شد و مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. ساناز دختر ۲۵ ساله پس از پایان درس در دانشگاه با وجود حضورش در میهمانی‌های شبانه دوستان دانشگاه‌اش دیگر یکی از پای ثابت میهمانی‌ها شده بود و این در حالی بود که دوستانش زندگی‌های خوب و مرفهی داشتند. ساناز با وجود شرایط مالی بدی که داشت همیشه سعی می‌کرد خود را در جمع دوستانش شیک پوش و از خانواده مرفه نشان دهد. روزهای گذشت و ساناز با قرض گرفتن پول و لباس از دوستان خارج از دانشگاهش خود را جوانی ثروتمند نشان می‌داد اما وقتی به خودش آمد دید که پول زیادی به دوستانش بدهکار است.

فرار از بدهکاری میلیونی
دوستان ساناز که از بدهکاری زیاد دوستان خسته شده بودند تصمیم گرفتند ماجرای پول قرض گرفتن‌های ساناز را به خانواده‌اش مطرح کنند که دختر جوان با دادن پیامک به دوستانش بدهکاری‌اش را به خانواده‌اش بازگو کنند دست به خودکشی می‌زند و از دوستانش مهلت یک ماهه گرفت تا بدهی‌اش را بپردازد. دختر جوان به فکر راه‌حلی بود تا پول دوستانش را پرداخت کند و به دنبال راه‌حلی بود که پول زیادی به دست آورد چون بعد از این ماجرا دیگر نمی‌توانست از دوستانش پول قرض بگیرد.

کار در یک شرکت خصوصی
ساناز پس از چند روز موفق شد در یک شرکت خصوصی کار پیدا کند اما به این فکر می‌کرد که زمان زیادی برای پرداخت پول ندارد و هر روز در محل کارش به فکر تهیه پول بود بارها تصمیم گرفت شهر خودش را ترک کند و به

تهران رفته و شغل پردرآمدتری به دست آورد اما هزینه‌های کرایه‌خانه در تهران او را از این تصمیم منصرف می‌کرد و این در حالی بود که ساناز در میهمانی‌های آخر هفته شرکت می‌کرد و برای اینکه جلوی دیگر دوستانش کم‌نور و دم‌جمور به خرید لباس بود.

دوستی با پسر خلافکار
ساناز در آخرین میهمانی‌اش در حالی که مشغول پای کوبی و شادی در کنار دوستانش بود نگاه‌های سنگین پسر جوان را حس می‌کرد که همه حرکات او را زیر نظر داشت تا اینکه پس از دقایقی پسر جوان که قبلاً او را ندیده بود از روی صندلی بلند شد و به سمت ساناز رفت. ساناز با پسر جوان سرسنگین بود اما حمید با چرب‌زبانی توانست دل ساناز را به دست آورد و اولین آشنایی این جوان در میهمانی شبانه کلید زده شد. حمید پس از پایان میهمانی همراه دوستانش به خانه رفت و در میان راه

اولین سرقت
دختر و پسر جوان که در میهمانی‌های زیادی دعوت می‌شدند تصمیم گرفتند حاضر در میهمانی‌ها و با توجه به اینکه دوستانشان به آنها اعتماد دارند در فرصتی مناسب دست به سرقت بزنند. ساناز و حمید با لباس‌های شیک که به تن داشتند وارد میهمانی شبانه شدند و در کنار دوستانشان شروع به پای کوبی کردند، حمید حواسش به جمعیت بود و وقتی فرصت را مناسب دید از ساناز خواست تا به اتاق برود تا نقشه‌شان را به اجرا برسانند. ساناز به بهانه عوض کردن لباس به اتاق پرورفت و در حالیکه همسر گرم پایکوبی بودند به سراغ کیف دختران رفت و دست به سرقت پول، دستبند و چند گوشی موبایل زد و پس از خاموش کردن گوشی‌های موبایل آنها را داخل کیفش جاساز کرد و به سالن برگشت و در کنار دوستانش قرار گرفت. مراسم که تمام شد همه به اتاق پرو می‌رفتند و لباس‌هایشان را بپوشیدند که متوجه دزدیده شدن وسایلشان شدند و این در حالی بود که ساناز و حمید قبل از دوستانشان از خانه خارج شده بودند.

دختر و پسر جوان در چند میهمانی دیگر دعوت شدند و برای اینکه ردی از خود به جا نگذارند تنها در ۲ میهمانی بیشتر آشنا شوند. حمید سوار بر موتور به محل قرار با ساناز رفت و در همان جلسه نخست پسر جوان وقتی دید که ساناز مشکلات زیادی در زندگی‌اش دارد چهره واقعی خودش را نشان داد و پیشنهاد عجیبی را پیش روی ساناز قرار داد. دختر جوان ابتدا برای انجام این راه حل تپه‌کارانه با حمید مخالفت کرد اما وقتی دید هیچ راهی برای رسیدن به پول بیشتر ندارد پیشنهاد پسر جوان را پذیرفت و قرار شد به اندازه بدهکاری‌های دزدی کنند. حمید و ساناز چند سناریوی برای به دست آوردن پول طراحی کردند و تصمیم گرفتند در مدت زمان ۳ هفته دست به سرقت‌های مختلف بزنند تا بدهی میلیونی را پرداخت کنند.

دومین سناریوی سرقت
حمید که سابقه زندان دارد با توجه به اعتمادی که ساناز به او کرده بود سناریوی جدیدی را طراحی کرد و به ساناز پیشنهاد داد تا نقشه سرقت از شرکت خصوصی را به اجرا برساند. ساناز ابتدا مخالف این کار بود اما وقتی در برابر اصرارهای پسر مور دلقه‌اش قرار گرفت به ناچار تسلیم این خواسته حمید شد. ساناز در این سرقت ماموریت داشت زمان ورود و خروج کارمندان و تعداد نگهبانان را شناسایی کند که در این مرحله دختر

جوان بی برد که شب‌ها مرد میانسانی به عنوان نگهبان در شرکت کار می‌کند. حمید برای اجرای نقشه‌اش از یکی از دوستان قدیمی‌اش که باهم زندان بودند کمک خواست و شب سرقت حمید و ساناز همراه امیر به جلوی شرکت رفتند و ساناز پشت فرمان خودرو به زاغ زنی مشغول شد و ۲ پسر جوان با پوشاندن چهره‌شان برای سرقت وارد شرکت شدند. حمید و امیر ابتدا نگهبان ساختمان را به باد کتک گرفتند و با بستن دست و پاهای مرد نگهبان وارد ساختمان شده و شروع به سرقت وسایل داخل شرکت کردند با سرعت از شرکت خصوصی خارج شده و ساناز که در آینه خودرو حمید و امیر از خودرو پیاده شد و امیر پشت فرمان نشست و پناه فرار گذاشتند.

دستگیری دزدان آشنا
ماموران پلیس با اعلام خبر سرقت از شرکت خصوصی تحقیقات پلیسی خود را آغاز کردند و در گام نخست به سراغ دوربین‌های مدار بسته شرکت رفتند.

تیم پلیسی مسیر فرار دزدان را به خیابان رد زنی کردند تا اینکه به دوربین مدار بسته یک خانه رسیدند که با بررسی فیلم دوربین مدار بسته با تصویر دختر جوان رو برو شدند. ماموران در این مرحله تصویر دختر جوان را پیش روی مدیر عامل شرکت قرار دادند و خیلی زود ساناز به عنوان همدست دزدان شرکت دستگیر شد. ساناز ابتدا خود را بی‌گناه می‌دانست اما وقتی در برابر تصویر دوربین مدار بسته قرار گرفت به ناچار لب به سخن باز کرد و پسر مورد علاقه‌اش را لو داد. ماموران در این شاخه از تحقیقات با آموزش‌های پلیسی به ساناز یک قرار صوری را طراحی کردند و زمانیکه حمید برای ساناز در محل قرار حاضر شد ماموران او را دستگیر کردند.

امیر نیز وقتی دید دختر جوان برده از راز همه سرقت‌هایشان برداشته به ناچار امیر را که از متهمان سابقه دار است را لو داد و ماموران در عملیات پلیسی موفق به دستگیری وی شدند.

اخبار حوادث

بوی تعفن

راز جنایت پنهانی را فاش کرد

مرد تنها در جنایتی معمولی به قتل رسید و بوی تعفن در محل قتل راز این جنایت را فاش کرد. عصر دوشنبه ۱۵ مرداد امسال اهالی ساختمانی در منطقه دهکده المپیک به خاطر بوی تعفن که در فضای ساختمان پخش شده بود با پلیس تماس گرفتند و احتمال دادند که برای مرد تنها در طبقه سوم ساختمان اتفاقی افتاده باشد.

بدین ترتیب تیمی از ماموران کلانتری ۱۰۱ راه آهن و سازمان آتش‌نشانی در محل حاضر شدند و ماموران آتش‌نشانی با تخریب در ورودی خانه مرد تنها مسیر را برای ماموران باز کردند.

تیم پلیسی زمانی که وارد خانه طبقه سوم شدند با جسد مرد ۵۰ ساله که چند روز از مرگش می‌گذشت رو برو شدند و بسته بودن پاهای جسد سناریوی مرمری را پیش روی ماموران قرار داد. باز پرس سجاد منافی آذر از شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران با توجه به مرز بودن مرگ مرد تنها دستور داد تا جسد به پزشکی قانونی منتقل شود و تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات فنی وارد عمل شدند.

با گذشت یک هفته از تحقیقات پلیسی و علمی کارشناسان پزشکی قانونی مشخص شد که مرد تنها با ضربات چاقو به قتل رسیده و عاملان جنایت قبل از قتل دست و پای مرد تنها را بسته‌اند و با روشن کردن کولر سعی داشتند با خنک‌نگه داشتن محل جنایت راز این جنایت را پنهان‌نگه دارند. بنا به این گزارش، تحقیقات پلیسی برای دستگیری عاملان این جنایت و انگیزه قتل پنهانی در اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

زن همسایه به دختربچه‌ها

آموزش سرقت داد

۳ دختر بچه که از اعضای باند کش روزنی در مشهد بودند دستگیر شدند. اکبر آقابگی رییس پلیس مشهد از دستگیری ۳ دختر بچه که از اعضای باند کش روزنی در مشهد بودند، خبر داد و گفت: تیم‌های روزنی نامحسوس کلانتری بانوان مشهد در اجرای مرحله دیگری از طرح تشدید مقابله با سرقت‌های خیابانی به حرکات و رفتار ۳ دختر بچه مظنون شدند و آنها را زیر نظر گرفتند.

وی خاطر نشان کرد: افسران پلیس زن پس از دقایقی ۳ دختر بچه را در حال کش روزنی از یک مغازه دستگیر کردند. وی افزود: این ۳ دختر بچه ۱۰ ساله که همسایه هستند پس از انتقال به کلانتری بانوان در بازجویی‌های اولیه ادعا کردند که زن همسایه و دختر بچه ۸ ساله‌اش به آنها کش روزنی یاد داده و ۲۵ جفت کفش، ۳۰ جلد کتاب و مقدار زیادی خوراکی سرقتی را به این زن تحویل داده‌اند. آقابگی ادامه داد: آنچه در این ماجرا بسیار عجیب به نظر می‌رسد، بی‌اطلاعی خانواده این ۳ کودک بود که فرزند آنها به‌ظاهر به‌پنهان‌بازی به‌خانه همسایه رفت و آمد داشته است.

فرمانده انتظامی مشهد با بیان اینکه در این رابطه به‌شهروندان هشدار می‌دهیم مراقبت هوشیارانه‌ای از فرزندان خود داشته و به کودکان در مورد نوع ارتباط گیری با دیگران و همچنین نوع برخورد درباره خواسته‌هایی که ممکن است افراد غریبه از آنها داشته باشند، نکات آموزشی را ارائه دهند تا از وقوع چنین مشکلات و آسیب‌هایی پیشگیری شود؛ اضافه کرد: تحقیقات پرونده تا زمان دستگیری زن جوان که طراح این سرقت‌ها بوده، ادامه دارد.

پایان فرار عاملان قتل پسر ۱۷ ساله

در دلگان

۲ مرد که در یک اختلاف قبیله‌ای پسر ۱۷ ساله‌ای را به قتل رسانده بودند دستگیر شدند. سرهنگ ابراهیم ملاشاهی رئیس پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان گفت: در پی گزارش مرگ مشکوک در ۱۰ شهریورماه سال گذشته در یکی از روستاهای شهرستان دلگان موضوع به صورت ویژه در دستور کار تیمی از پلیس آگاهی قرار گرفت.

وی افزود: بررسی‌های اولیه کارآگاهان دایره مبارزه با جرائم جنایی بیانگر این امر بود که در پی اختلافات قبیله‌ای نوجوانی ۱۷ ساله به نام محمد به ضرب گلوله توسط ۲ مرد جوان به قتل رسیده است. سرهنگ ملاشاهی تصریح کرد: کارآگاهان پلیس آگاهی با تحقیقات میدانی سرانجام محل مخفی شدن متهمان را که دائم تغییر مکان می‌دادند شناسایی و با هماهنگی قضائی آنان را در اقدامی ضربتی و غافلگیرانه دستگیر و در بازرسای محل یک قبضه سلاح کلاش به همراه یک تیغه خنک و سیزده تیر جنگی کشف کردند. وی خاطر نشان کرد: متهمان به قتل پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.



گذاشتم و او که از این ماجرا انزاع شده بود نقشه آتش‌زدن ماشین مدل بالای پدرزنم را کشید و به من قول داد نقشه را به تنهایی اجرا کند. او به خاطر من تصمیم گرفت لاستیک ماشین پدرزنم را آتش بزند و او را بترساند. او به تنهایی نقشه‌اش را اجرا کرد و من از این نقشه‌ی اطلاع‌بدهم. حتی بعد از چند روز متوجه شدم در پارکینگ خانه پدرزن سابقم آتش‌سوزی رخ داده و چهار نفر از ساکنان جان سپرده‌اند. سپس ابودر در دفاع پرداخت و گفت: محسن با حرف‌هایش مرا فریب داد. او به من موادمخدر داد تا مرا برای اجرای نقشه‌اش اجیر کند. من بنزین را روی لاستیک ماشین ریختم و سپس پارکینگ را ترک کردم. من حتی بعد از این ماجرا از کاری که انجام داده بودم پشیمان شدم

بزنم. با اعتراف‌های این دو مرد برای ابودر به اتهام قتل و برای محسن به اتهام معاونت در ۴ جنایت کیفرخواست صادر و پرونده آنها به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

دو متهم دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمدباقر قربان‌زاده و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای این جلسه اولیای دم سه قربانی برای متهمان حکم قصاص خواستند. اما همسر چهارمین قربانی که قیم فرزند خردسال وی است گفت: دخترم هم در این ماجرا آسیب دید و دچار سوختگی شد. او همچنان با گذشت چند سال از این ماجرا تحت درمان قرار دارد و من دیه می‌خواهم تا هزینه‌های درمان فرزندم را تأمین کنم. سپس محسن پشت تریبون دفاع ایستاد و گفت: ۲ سال قبل از این ماجرا به خاطر دخالت‌های خانواده همسرم از او جدا شدم و همسرم پسر ۶ ساله‌مان را با خود به خارج از کشور برد. من چند بار با پدرزنم صحبت کردم و از خواستم با همسر صحبت کند که پسرم را به ایران برگرداند. اما پدرزنم پای اعتنایی جوابم را داد. من که عصبانی بودم ماجرا را با دوست صمیمی ام ابودر در میان

و با سر این کارگر بدشانس فرورفته است. در ابتدا مصدوم را به یکی از بیمارستان‌های اطراف گانسو منتقل می‌کنند تا ز سر مجروح عکس برداری شود و سپس او را به بیمارستانی مجهزتر در ایکس‌ساین چین انتقال می‌دهند. به محض ورود مجروح به بیمارستان یک تیم پزشکی از متخصصین مختلف بلافاصله عمل جراحی را آغاز کردند که این عمل جراحی از ساعت ۱۰ شب تا ۳ بامداد طول کشید. بر اساس گزارش پزشکان توانستند میله

خبر

۲ قاتل آتش‌افروز همدیگر را محکوم کردند

جزییات قتل کینه‌جویانه ۲ مرد و ۲ زن

گروه حوادث: ۲ مرد که در آتش‌افروزی کینه‌جویانه فاجعه مرگباری را رقم زده بودند در دادگاه جنایی تهران محاکمه شدند. داماد کینه‌جو و دوستش با آتش‌زدن خودروی پدرزن مرگ ۲ مرد و ۲ زن را رقم زدند.

روز فاجعه

شامگاه بیست و ششم بهمن‌ماه سال ۹۲ آتش‌سوزی در پارکینگ یک مجتمع مسکونی شش طبقه در سعادت‌آباد به آتش‌نشانی اعلام شد و ماموران راهی محل شدند.

۲ جسد در پارکینگ

آتش‌سوزی در پارکینگ طبقه منفی دو رخ داده بود و سه خودرو سمنند، لندکروز و پرادو در حال سوختن بودند و دود غلیظ همه ساختمان را فرا گرفته بود. آتش‌نشانیان به مهار شعله‌ها پرداختند و در طبقه زیر پارکینگ با جنازه دو مرد ۳۱ و ۳۳ ساله که از ساکنان ساختمان بودند روبه‌رو شدند که به خاطر دود گرفتگی جان سپرده بودند.

جسد زن تنها

در بازرسی از طبقات بالا همچنین آتش‌نشانیان با جسد یک زن ۵۹ ساله مواجه شدند که شواهد نشان می‌داد زن تنها از ترس از آوارمان

میلگر در جمجمه یک مرد

گروه حوادث: میلگر دبلند از بالای ساختمان سقوط کرد و به سر کارگر بدشانس فرورفت. در این حادثه یک میلگر دبلند از بالای ساختمان سقوط و با سر این کارگر ۵۶ ساله برخورد کرد. این میله از سمت راست سر وارد جمجمه این فرد شده و در

حدود ۲۰ سانتی‌متر داخل جمجمه قرار می‌گیرد. به گزارش دلیلی، آتش‌نشانیان برای انتقال مصدوم به بیمارستان مجبور شدند تا میلگر در ۳۰ سانتی‌متر با دستگاه برش هیدرو لیک کوتاه کنند. به گفته شاهدان این جسم از ۲ طبقه سقوط کرده